

طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی راهبردهای مقابله‌ای بر اساس الکسی تایمیا
با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق

Designing a Structural Model for Predicting Coping Leaders Based on Alexithymia
Mediating Their Evaluation Core in Women with Social Injury Divorce

Zahra Chegeni Nezhad

Graduated from General Psychology, Department of Psychology, Danesh Alborz University, Iran.

Email: zahrachezeni72@gmail.com

زهرا چگنی‌نژاد*

دانش آموخته روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی دانش البرز، البرز، ایران.

Abstract

Objective: The aim of this study was to determine the mediating role of self-assessment in relation to coping strategies with alexithymia in women with social orthodox divorce. **Method:** The type of research is descriptive-correlation and its method is structural equations (path analysis). The study sample consisted of 120 divorced women. To collect data, the research tool used a short version of the list of coping strategies, self-assessment core scale and the Toronto Emotional Dysfunction Questionnaire. Data analysis was also performed using SPSS software version 26 and Amos version 24. **Results:** After fitting and confirming the conceptual model, the results showed that alexithymia had a significant inverse and negative relationship with avoidance strategy and problem-oriented strategy, and a significant positive and direct relationship with emotion-oriented strategy ($P = 0.001$). Also, the core variable of self-evaluation has a mediating role between alexithymia and coping strategies for women ($P = 0.001$). **Conclusion:** High self-esteem nucleus reduces the rate of alexithymia and more use of problem-oriented and avoidance strategies and low self-esteem nucleus increases the rate of alexithymia and more use of emotion-oriented strategies.

Keywords: Coping Strategies, Alexithymy, Core of Self-Evaluation, Women, Social Injury, Divorce.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف مشخص نمودن نقش میانجی هسته ارزشیابی خود در ارتباط راهبردهای مقابله‌ای با الکسی تایمیا در زنان آسیب اجتماعی طلاق انجام شد. **روش:** نوع پژوهش توصیفی - همبستگی و روش آن معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) است. نمونه مورد مطالعه عبارتند از ۱۲۰ نفر از زنان مطلقه برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پژوهشی نسخه کوتاه سیاه راهبردهای مقابله با تنیدگی، مقیاس هسته ارزشیابی خود و پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو استفاده شد. همچنین تحلیل داده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و ایموس (Amos) نسخه ۲۴ انجام شد. **یافته:** بعد از برازش و تأیید مدل مفهومی، نتایج نشان داد که الکسی تایمیا با راهبرد اجتنابی و راهبرد مسأله مدار رابطه معکوس و منفی معنادار، و با راهبرد هیجان مدار، رابطه مثبت و مستقیم معنادار دارد ($P=0/001$). همچنین متغیر هسته ارزشیابی خود دارای نقش میانجی بین الکسی تایمیا و راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان است ($P=0/001$). **نتیجه‌گیری:** هسته خود ارزشمندی بالا باعث کم شدن میزان الکسی تایمیا و استفاده بیشتر از راهبردهای مسأله مدار و اجتنابی شده و هسته خودارزشمندی پایین باعث زیاد شدن میزان الکسی تایمیا و استفاده بیشتر از راهبرد هیجان مدار می‌شود.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای مقابله‌ای، الکسی تایمی، هسته ارزشیابی خود، زنان آسیب اجتماعی طلاق.

مقدمه

طلاق^۱ یکی از عوامل ایجاد کننده اختلال و آشفتگی در زندگی انسان‌ها است و از آن به‌عنوان برجسته‌ترین عامل فروپاشی خانواده نام برده شده که برای فرد، خانواده و اجتماع آثار ویرانگری دارد (ترودل و گولدفارب^۲، ۲۰۱۰). پدیده طلاق یکی از پیچیده‌ترین مشکلات زندگی زناشویی در تمام جوامع به شمار می‌رود، و تأثیرات ویرانگر این پدیده اجتماعی طیفی گسترده را دربرمی‌گیرد و افزون بر زوجین دامن‌گیر فرزندان آنها نیز خواهد شد و سلامت روانی و کیفیت زندگی آنها را نیز تهدید خواهد کرد؛ به این صورت که با ایجاد نگرشی منفی نسبت به ازدواج در فرزندان باعث آسیب رساندن به کیفیت روابط زناشویی آینده آنها می‌شود (کویی و فینچام^۳، ۲۰۱۰) به عقیده روانشناسان، طلاق یا متقاضی طلاق بودن به عنوان یکی از معتبرترین شاخص‌های نارضایتی در روابط زناشویی، نوعی گسستگی عاطفی در زوجین و یکی از آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌گردد (والینگ و مارتینگ^۴، ۲۰۱۷). یافته‌های آماری نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۸ از ۱۲/۵ به ۷۷/۳۱ افزایش یافته است که نشانه بدتر شدن این شاخص در کشور در سال ۱۳۹۸ است (رمضانی‌فر، کلدی و بهرامی، ۱۴۰۰). از طرفی، ناکامی در زندگی زناشویی و کاهش روابط بین زوجین همیشه به طلاق رسمی منجر نمی‌شود، زیرا، بنابر شرایط اجتماعی و فرهنگی، گاهی زوجین به اجبار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. در این وضعیت، ساختار خانواده حفظ می‌شود، اما خانواده از درون تهی است. خانواده‌ها با کاهش فضای عاطفی و سرد شدن محیط خانواده مواجه‌اند که این پدیده به طلاق عاطفی منجر می‌شود (رمضانی‌فر و همکاران، ۱۴۰۰). باتوجه به پیامدهای فراوان طلاق بر جامعه و خانواده و زنان، یکی از مشکلاتی که زنان بعد از طلاق عمدتاً تجربه می‌کنند، ناگویی هیجانی است (جعفری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۴).

ناتوانی افراد برای سازگاری با موقعیت و عوامل استرس‌زا، آسیب‌پذیری کلی فرد را افزایش می‌دهد. ویژگی که به دلیل دشواری در شناسایی و تمایز بین احساسات و آشفتگی هیجانی در افراد مبتلا به ناگویی هیجانی^۵ دیده می‌شود (تروگولو^۶ و همکارانش، ۲۰۱۴). ناگویی هیجانی عبارتست از مشکل در خودتنظیمی هیجان و عدم توانایی فرد در توصیف، پردازش و بیان هیجانات ناخوشایند و حتی خوشایند خواست (ماهاپارتا و شارما^۷، ۲۰۱۸). ناگویی هیجانی، سازه‌ای است متشکل از دشواری در شناسایی احساس‌ها، توصیف آنها و جهت‌گیری فکری بیرونی. این نارسایی مانع تنظیم هیجان‌ها می‌شود و سازگاری موفقیت‌آمیز را مشکل می‌سازد (فیتز، والنسیا و سیلانی، ۲۰۱۸ به نقل از بشر پور و جانی، ۱۳۹۸). از جمله ویژگی‌های ناگویی هیجانی یا آلکسی تایمیا، فقر شدید تفکر نمادین که آشکارسازی و بروز هیجانات، بازخوردها، احساسات، تمایلات و ساق‌ها را محدود می‌کنند، و همچنین ناتوانی در شناسایی هیجانات و توصیف آنها است (تایلر، لاپنس و گرگیر^۸، ۲۰۱۵).

از عوارض ناگویی هیجانی بر افراد علاوه بر کاهش سطوح تجارب و تصویرسازی ذهنی، می‌توان به کاهش خودکارآمدی و حرمت به خود^۹ که ابعاد سازه هسته ارزشیابی خود^{۱۰} هستند نام برد (اسمیت^{۱۱}، ۲۰۱۶). هسته ارزشیابی‌های خود در قالب یک سازه

¹ divorce² Trudel, G. Goldfarb, M. R.³ Cui, M. & Fincham, F. D.⁴ Valing, T. H. B. Marting, M. O.⁵ alexithymia⁶ Trógo⁷ Mahapatra, Sharma⁸ Taylor, Lachance & Gregoire⁹ self-esteem¹⁰ core self-evaluations¹¹ Smith

طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی راهبرهای مقابله‌ای بر اساس الگوی تایمیا با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق

شخصیتی یکپارچه منعکس کننده باورهای بنیادین افراد درباره خود و کنش‌وری دنیای خویش است که در ارزشیابی از قابلیت‌ها و صلاحیت‌های خویش و حس زندگی خوب متجلی می‌شود (جاج، ۲۰۰۹). این سازه معرف یک مفهوم گسترده مکنون است که بر محور چهار رگه حرمت خود، خودکارآمدی تعمیم یافته^{۱۲}، مسند مهارگری^{۱۳} و نورزگرایی^{۱۴} استوار است (جاج و کامیرمولر^{۱۵}، ۲۰۱۲؛ دی باسچرا، هافمنسا و دی فریت^{۱۶}، ۲۰۱۷). بررسی‌های فراتحلیلی نشان می‌دهد که این چهار مولفه با یکدیگر همبسته‌اند و یک سازه مشترک را تشکیل می‌دهند (بونو و جاج^{۱۷}، ۲۰۰۳؛ نعمت طاوسی و اکبرزاده حوری، ۱۳۹۲).

افراد با سطوح مثبت هسته ارزشیابی‌های خود، شادکامی، رضایت از زندگی و سلامت روان را بیشتر تجربه می‌کنند چرا که افراد با سطوح مثبت هسته ارزشیابی‌های خود موقعیت‌هایی را جستجو می‌کنند که برای آنها چالش‌برانگیز و پاداش دهنده است، امری که به نوبه خود رضایت از خود و زندگی را افزایش داده و موجب شادکامی در فرد می‌گردد (اوززل، همارتا و دنیز^{۱۸}، ۲۰۱۶، نقل از نعمت طاوسی، ۱۳۹۲؛ میلر، چان، یغمیان، داسیلوا، مولرو کیگان^{۱۹}، ۲۰۱۵).

افراد با سطوح مثبت هسته ارزشیابی‌های خود، همواره خود را در موقعیت‌های مختلف به شیوه مثبت ارزیابی می‌کنند و خود را توانمند، ارزشمند و واجد توانایی مهار زندگی می‌دانند. به دلیل برانگیخته بودن، کارهای خود را به طور موثرتری انجام می‌دهند و با جستجوی موقعیت‌های چالش‌برانگیز از زندگی خود رضایت بیشتری دارند و سطوح پایین‌تری از استرس و تعارض را گزارش می‌دهند، به طور موثرتری با شکست‌ها کنار می‌آیند و از مزایا و فرصت‌ها بهتر استفاده می‌کنند (جاج، ارز، بونو و تورسن^{۲۰}، ۲۰۰۳). در مقابل افراد با هسته ارزشیابی خود منفی، خود را در مقایسه با دیگران کم ارزش می‌دانند، بر شکست‌ها و کاستی‌ها خود متمرکز می‌شوند و خود را قربانی محیط خویش می‌دانند (جاج و هرست^{۲۱}، ۲۰۰۷).

هسته ارزشیابی‌های خود برای درک تفاوت‌های افراد در ارزیابی‌های عوامل استرس‌زا و فرایند مقابله، یک چارچوب سودمند و سازمان دهنده ارائه می‌دهد. پژوهشگران دریافته‌اند که باورهای عمیق درباره خود، مهار و پیامدها، بازتابی از مولفه‌های مهم دیدگاه فرد درباره دنیا و توانایی وی برای تحقق عمل است. این باورها به ویژه در شکل‌دهی واکنش‌های فرد نسبت به رویدادهای استرس‌زای زندگی یا شیوه مقابله با استرس و افسردگی اهمیت دارد (جاج، ۲۰۰۹).

با توجه به ادبیات پژوهشی مبنی بر رابطه هسته ارزشیابی‌های خود با راهبردهای مقابله‌ای که در پژوهش‌های نشان داده شده است مانند پژوهش نعمت طاوسی (۱۳۹۲) که به بررسی رابطه هسته ارزشیابی خود و راه‌های مقابله‌ای پرداخت و نشان داد حرمت خود، خودکارآمدی تعمیم یافته و مسند مهارگری، و نورزگرایی، مقابله هیجان محور را به طور معنادار پیش‌بینی می‌کنند. افزون بر آن، حرمت خود و خودکارآمدی تعمیم یافته، مقابله جستجوی حمایت اجتماعی را به طور معنادار پیش‌بینی می‌کنند. به نظر می‌رسد هسته ارزشیابی‌های خود در تعیین پاسخ‌های مقابله‌ای، و رگه‌ها و مقابله نیز متقابلاً در تعیین پیامدها اثرگذار هستند. در پژوهشی که توسط ملانی، میدکیف، لیندسی و میدو^{۲۲} (۲۰۱۸) با عنوان نقش راهبرد مقابله‌ای و خودکارآمدی بر تنظیم هیجان انجام شد، خودکارآمدی به عنوان میانجی بر تنظیم هیجان و راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار بر تنظیم هیجان نقش مثبت دارند، می‌توان اذعان نمود، راهبردهای مقابله‌ای^{۲۳}، فنونی هستند که افراد در مواجهه با رویدادهای تنش‌زا

¹² generalized self-efficacy

¹³ locus of control

¹⁴ neuroticism

¹⁵ Judge, A., Kammeyer, M.

¹⁶ Debusschera, G., Hofmansa, A., De Fruytb, J.

¹⁷ Bono, L. Judge, N.

¹⁸ Özer, H., Hamarta, A., Deniz, S.

¹⁹ Miller, S. Chan, C. Yaghmaian, G. DaSilva, T. Muller, M. Keegan, P.

²⁰ Judge, A., Erez, B., Bono, P., Thoresen, J.

²¹ Hurst, K.

²² Melanie, Midkiff, Lindsey, Meadows

²³ coping skills

به کار می‌گیرند. توانایی کنترل و تسلط بر موقعیت می‌تواند در افزایش توانمندی راهبردهای مقابله‌ای موثر باشد و اثرات مخرب تنیدگی بر سلامت جسمانی و روانی جلوگیری کند (عماد و هادیان فرد، ۱۳۹۸). گاهی فرد می‌تواند افکاری را که درباره رویداد تنش‌زا دارد، تحت کنترل داشته باشد، که به آن کنترل شناختی می‌گویند. در مواردی کسب اطلاعات بیشتر درباره موقعیت تنش‌زا می‌تواند کمک کننده باشد. البته گذشته از این راهبردها افراد می‌توانند در راستای پیشگیری از پیامدهای جسمانی و روانی تنیدگی، از طریق آموزش راهبردهای مقابله‌ای را یاد بگیرند (شائو، یانگ، زانگ، دئو و لی، ۲۰۱۹، ۲۴).

از نظر لازاروس و فولکمن^{۲۵} (۱۹۸۴) مقابله عبارت است از: تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد که هنگام رو به رو شدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن و یا به حداقل رساندن عوارض استرس به کار گرفته می‌شوند. مقابله، نیازمند بسیج و آماده‌سازی نیروها و انرژی فرد است که با آموزش و تلاش به دست می‌آید، لذا با کارهایی که به طور خودکار انجام می‌شود تفاوت اساسی دارد (لی، پارک و سیم، ۲۰۱۸، ۲۶). برخی مولفان مقابله مساله محور^{۲۷} را در برابر هیجان محور^{۲۸} و برخی دیگر مقابله درگیرکننده^{۲۹} را در برابر طفره‌رونده^{۳۰} قرار داده‌اند. با وجود این سازمان‌دهی، اغلب بررسی‌های جدید در مورد روش‌ها و مهارت‌های مقابله‌ای بر اساس تمایز بین مقابله مساله محور و هیجان محور است (اسمیت^{۳۱}، ۲۰۰۴).

مقابله مساله محور با تمرکز بر عامل استرس‌زا به معنای گریز یا اجتناب از عامل استرس‌زا یا حذف آن در صورت عدم امکان اجتناب از آن است. این نوع مقابله مستلزم تعیین راهبردهای موثر برای کاهش فشار، ایجاد هدف‌های رفتاری خاص و درگیر شدن در رفتاری است که به حل مساله کمک می‌کند (پنگ و ریولی، شاوربروک و اسپاین^{۳۲}، ۲۰۱۲). اما هدف از مقابله هیجان محور، کمینه‌سازی استیصال ناشی از استرس است. این نوع مقابله که فعالیت‌هایی مانند ارزیابی مجدد موقعیت، دریافت اطمینان مجدد از دوستان و تمرکز بر نقاط قوت خویش را در بر می‌گیرد، مستلزم کوشش‌های مستقیم برای کاهش سطح فشار است بدون آنکه بر عوامل استرس‌زای واقعی تاثیر گذارد (کامیرمولر، جاج و اسکات^{۳۳}، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، مقابله مساله محور با استفاده از راهبردهایی مانند گردآوری اطلاعات و تصمیم‌گیری، مساله را مورد هدف قرار می‌دهد و مقابله هیجان محور با کاربرد راهبردهایی مانند کناره‌گیری، جستجوی حمایت هیجانی و گریز-اجتناب منفی را نظم می‌دهد (فولکمن^{۳۴}، ۲۰۱۰).

بررسی مطالعات گذشته نشان داده است که علی‌رغم افزایش قابل توجه طلاق در جامعه و به دنبال آن، ایجاد مشکلات اجتماعی، فردی و بین فردی در زنان مطلقه، همچنین با توجه به پیامدهای طلاق که شامل کاهش مشارکت اجتماعی، کاهش تحرکات اجتماعی، مشکلات اقتصادی، افسردگی، ناامیدی و دشواری در تنظیم هیجان برای زنان مطلقه است (جبریل^{۳۵}، ۲۰۱۴) و از آن‌جا که تا به حال پژوهشی مبنی بر بررسی و تعیین نقش واسطه‌ای هسته ارزشیابی خود در ارتباط راهبردهای مقابله‌ای با آلکسی تایمیا در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق گزارش نشده است، این پژوهش با بررسی ارتباط این متغیرها و ارائه یک مدل درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا هسته ارزشیابی خود در ارتباط راهبردهای مقابله‌ای با آلکسی تایمیا در زنان آسیب دیده نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند؟

²⁴ Shao, J., Yang, H., Zhang, Q., Du, W., & Lei, H.

²⁵ Lazarus, R.S., Folkman, S.

²⁶ Lee, J. H., Park, S., & Sim, M.

²⁷ problem-focused coping

²⁸ emotion-focused coping

²⁹ engagement coping

³⁰ disengagement coping

³¹ Smith, S.

³² Peng, R., Rioli, H., Schaubroeck, A., Spain, P.

³³ Kammeyer, M., Judge, A., Scott, S.

³⁴ Folkman, J.

³⁵ Jibril

طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی راهبردهای مقابله‌ای بر اساس الگوی تائیمیا با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

- هسته ارزشیابی خود به صورت معنادار رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و الگوی تائیمیا را واسطه‌گری می‌کند.

فرضیه‌های فرعی

- الگوی تائیمیا به صورت معنادار راهبردهای مقابله‌ای را پیش بینی می‌کند.
- هسته ارزشیابی خود به صورت معنادار راهبردهای مقابله‌ای را پیش بینی می‌کند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی و طرح پژوهش از نوع توصیفی است که در آن از روش همبستگی بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان مطلقه مراجعه کننده به موسسه حقوقی آفتاب یزدان عدالت در کرج، در سال ۱۴۰۰ است. بر اساس نظر هویت و کرامر (۲۰۰۴) به ازای هر متغیر پیش بین حداقل ۲۰ (بین ۲۰-۴۰) نفر برای نمونه کافی است. با توجه به اینکه در این پژوهش هسته ارزشیابی خود دارای ۰ مولفه، ناگویی هیجانی دارای ۳ مولفه و راهبردهای مقابله‌ای دارای ۳ مولفه در نظر گرفته می‌شود به ازای هر متغیر ۲۰ نفر در نظر گرفته شد. بنابراین نمونه پژوهش ۱۲۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری این پژوهش در مورد انتخاب زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق در موسسه حقوقی به صورت تصادفی و انتخاب افراد گروه نمونه به صورت داوطلبانه است.

برای اجرای پژوهش ابتدا درخواست همکاری پژوهشگر از مسئول موسسه حقوقی آفتاب یزدان عدالت ارائه شد و با همکاری ایشان انجام شد. با توجه به شرایط کشور از لحاظ بیماری کرونا و توصیه به انجام حتی المقدور امور به صورت دورکاری در این پژوهش سعی شد از تماس با زنان مطلقه به عنوان گروه نمونه به صورت چهره به چهره و ارسال و دریافت کاغذ به لحاظ جلوگیری از گسترش کرونا خودداری شود. به این خاطر توضیحات مقدماتی در خصوص هدف پژوهش و جلب مشارکت آزمودنی‌ها و اطمینان بخشی به آزمودنی‌ها مبنی بر محرمانه ماندن اطلاعات در قالب فایل صوتی تهیه و در اختیار اعضای نمونه قرار گرفت. پرسشنامه‌ها در قالب لینک تنظیم شد که از طریق سامانه وات ساپ برای اعضا نمونه ارسال می‌شد. آزمودنی‌ها می‌توانستند بعد از دریافت لینک نسبت به پاسخدهی یا انصراف از آن اقدام نمایند. پرسشنامه‌ها به صورت اینترنتی و بدون محدودیت زمانی در اختیار افراد به صورت انفرادی قرار گرفت. پرسشنامه‌ها در فرم و ترتیب یکسانی توزیع شد.

ابزار پژوهش

- نسخه کوتاه سیاهه راهبردهای مقابله با تنیدگی (اندلر و پارکر، ۱۹۹۹)

اندلر و پارکر (۱۹۹۰) سیاهه ۴۸ ماده‌ای راهبردهای مقابله با تنیدگی را طراحی کردند، که هر ۱۶ ماده به یکی از راهبردهای مقابله‌ای مربوط می‌شد. این آزمون سه زمینه‌ی اصلی رفتارهای مقابله‌ای را در بر می‌گیرد: مقابله‌ی مسئله‌مدار یا برخورد فعال با موضوع در جهت حل آن، مقابله‌ی هیجان‌مدار یا متمرکز بر پاسخ‌های هیجانی به مسئله، و مقابله‌ی اجتنابی یا فرار از مسئله که به دو شکل روی آوردن به اجتماع و فرد دیگر و یا روی آوردن و درگیر شدن در یک فعالیت تازه بروز می‌کند (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰).

-نسخه‌ی کوتاه سیاهه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی^{۳۶} (اندلر و پارکر، ۱۹۹۹) دارای ۲۱ ماده است که بر اساس نسخه اصلی تهیه شده است.

(ب) روش اجرا و نمره‌گذاری

هر ماده، به صورت مقیاس لیکرت از درجه‌ی هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) نمره‌گذاری می‌شود. در نسخه کوتاه این سیاهه هر ۷ ماده به یکی از راهبردهای مقابله‌ای مرتبط می‌شود و دامنه نمره افراد برای هر یک از راهبردها بین ۷ تا ۳۵ قرار دارد. در ایران نسخه اصلی پرسشنامه توسط (شکری و دیگران، ۱۳۸۸) ترجمه شده است.

(پ) روایی و اعتبار

اندلر و پارکر (۱۹۹۰)، پایایی روش‌های مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی را به ترتیب برای نمونه‌ی پسران ۰/۹۲، ۰/۸۲ و ۰/۸۵ و برای نمونه‌ی دختران ۰/۹۰، ۰/۸۵ و ۰/۸۲ به دست آوردند. کالزبیک، ریچکان، هنگوون و دکر، (۲۰۰۲) با تحلیل عاملی تأییدی نسخه ۲۱ عاملی سیاهه، وجود سه عامل (مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی) را تأیید کرده‌اند. نتایج آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که اعتبار این سیاهه برای سه راهبرد در گروه‌های سنی مختلف بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۶ قرار دارد. همچنین در پژوهش کوهن و دیگران (۲۰۰۶؛ نقل از شکری، ۱۳۸۸)، ضرایب آلفای کرونباخ، و ضرایب همبستگی حاصل از آزمون بازآزمون خرده مقیاس‌ها نشان داد که این آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. در ایران نیز پژوهش (کاکابرایی، مرادی، افروز، هومن، و شکری، ۱۳۹۰) وجود عوامل سه گانه در این سیاهه را تأیید کرده است. همچنین روایی همگرا و واگرا سیاهه از طریق همبستگی راهبردها با عامل روان رنجور خوبی پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو تأیید شده است. اعتبار پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای راهبردهای مسأله‌مدار، هیجانی‌مدار و اجتنابی به ترتیب برابر با ۰/۸۰، ۰/۶۵ و ۰/۷۵ به دست آمده است. در این پژوهش، آلفای کرونباخ مقیاس راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار، راهبرد اجتنابی و راهبرد هیجان‌مدار به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۵۲ و ۰/۵۶ به دست آمد.

- مقیاس هسته ارزشیابی خود (جاج، ارز، بونو و تورسن^{۳۷}، ۲۰۰۳)

الف) معرفی ابزار

این مقیاس توسط جاج، ارز، بونو و تورسن در سال ۲۰۰۳ طراحی و تدوین شده و دارای ۱۲ گویه است.

(ب) روش اجرا و نمره‌گذاری

این پرسشنامه در مقیاس ۵ لیکرتی (از کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱) درجه بندی شده است و وزن تمام ماده‌ها برای دستیابی به نمره کل هسته ارزشیابی خود برابر است. بنابراین دامنه نمره‌ها در این مقیاس از ۱۲ تا ۶۰ نوسان است. در این مقیاس ماده‌های ۱۰، ۴، ۶، ۸ و ۱۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره‌های بالا نشان دهنده خودارزشیابی مثبت و نمره‌های پایین منعکس کننده خودارزشیابی منفی است.

(پ) روایی و اعتبار

جاج و دیگران (۲۰۰۳) روایی همگرای این مقیاس را با مقیاس نورزگرایی سیاهه شخصیت آیزنگ (۱۹۶۸)، بدست آورد و بر اساس چهار پژوهش مختلف اعتبار آن را ۰/۸۳ گزارش کردند. اوایلر (۲۰۰) در پژوهش خود، ضرایب آلفای کرونباخ این مقیاس را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۹ و ۰/۸۰ برای مقیاس حرمت به خود، خودکارآمدی، تعمیم یافته، مسندمه‌گرایی و نورزگرایی گزارش کرده است. در نمونه ایرانی همبستگی هسته ارزشیابی خود توسط نعمت طالوسی و اکبرزاده (۱۳۹۱) با

³⁶ coping inventory for stressful situations

³⁷ core scale of self

طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی راهبرهای مقابله‌ای بر اساس الکسی تایمی با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق

رضایت شغلی، عاطفه مثبت و بهزیستی عاطفی ناشی از شغل معنادار بوده و برابر با ۰/۳۹، ۰/۲۲ و ۰/۲۸ و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۰ گزارش شده است. در این پژوهش، آلفای کرونباخ ابزار برابر با ۰/۵۶ به دست آمد.

– پرسشنامه ناگویی هیجانی (تورنتو^{۳۸}، ۱۹۸۶)

الف) معرفی ابزار

این پرسشنامه توسط تیلور در سال (۱۹۸۶) طراحی و بگبی در سال (۱۹۹۴) در آن تجدید نظری صورت داد. این مقیاس مشتمل بر ۲۰ سوال است و سه خرده‌مقیاس دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را در بر می‌گیرد. زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، به توانایی شرکت‌کننده در تمیز بین هیجانات و حواس فیزیکی می‌پردازد. زیر مقیاس دشواری در توصیف احساسات، توانایی شرکت‌کننده برای شرح هیجانات خود به صورت کلامی را ارزیابی می‌کند و زیر مقیاس تفکر عینی به میزان توجه فرد به هیجانات درونی‌اش ارتباط دارد.

ب) روش اجرا و نمره‌گذاری

گستره پاسخ به سوالات از طیف کاملاً مخالف با نمره ۱ تا کاملاً موافق با نمره ۵ می‌باشد. نمره بالاتر در این آزمون میزان بالاتر ناگویی هیجانی را گزارش می‌دهد. در نمره‌گذاری مقیاس مدستین^{۳۹} و همکاران (۲۰۰۴) نمرات ۶۰ به بالا را به عنوان آلفکسی تایمی و نمرات ۵۲ به پایین را به عنوان غیر آلفکسی تایمی و مولر^{۴۰} و همکاران (۲۰۰۴) نمرات ۶۰ به بالا را به عنوان آلفکسی تایمی و نمرات ۵۲ به پایین را به عنوان آلفکسی تایمی پایین در نظر گرفته‌اند.

پ) روایی و اعتبار

روایی همزمان مقیاس ناگویی هیجانی هم برحسب همبستگی بین زیرمقیاس‌های این آزمون و مقیاس‌های هوش هیجانی، بهزیستی روانشناختی و درماندگی روان شناختی بررسی و مورد تایید قرار گرفت. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در مقیاس ناگویی هیجانی کل با هوش هیجانی ۰/۷۰، بهزیستی روانشناختی ۰/۴۴ همبستگی معنادار وجود دارد. قربانی و همکاران (۲۰۰۲) آلفای کرونباخ این مقیاس را در نمونه ایرانی، برای دشواری در تشخیص احساس‌ها ۰/۷۴، برای دشواری در توصیف احساس‌ها ۰/۶۱ و برای تفکر متوجه بیرون ۰/۵۰ به دست آورده‌اند. محمدی (۱۳۸۰)، به نقل از نعیم و نریمانی، (۱۳۹۵) اعتبار کل مقیاس را در نمونه ایرانی با استفاده از روش دو نیمه کردن و بازآزمایی ۰/۷۴ و ۰/۷۲ و روایی مقیاس را ۰/۸۵ گزارش کرد.

در این پژوهش، تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد. در بخش توصیفی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میانگین، انحراف معیار) استفاده، جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف و در بخش استنباطی با استفاده از آزمون آماری معادلات ساختاری و برای سنجش اعتبار پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد.

یافته‌ها

برای بررسی پیش فرضهای استفاده از تحلیل مسیر، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test) برای نرمال بودن توزیع مشاهدات، آزمون ضریب تحمل (Tolerance) و تورم واریانس (Variance Inflation Factor (VIF)، برای بررسی عدم همخطی چندگانه (Multicollinearity) استفاده شد. همچنین به منظور برازش مدل، آزمون فرضیه اصلی و فرعی، از تحلیل مسیر (Path Analysis) با روش بوت استروپ (Bootstrap) و آزمون مدل

³⁸ Toronto Emotional Dysfunction Questionnaire

³⁹ Modestin

⁴⁰ Muller

خطی عمومی (General Linear Model) استفاده شد. همچنین تحلیل داده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و ایموس (Amos) Analysis of Moment Structures نسخه ۲۴ انجام شد.

۱- توصیف جمعیت شناختی:

به منظور توصیف داده های جمعیت شناختی پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار)، استفاده شد. در این پژوهش ۱۲۰ نفر از زنان مورد مطالعه قرار گرفتند. دامنه سنی زنان از ۱۸ سال تا ۵۱ سال متغیر بود و میانگین و انحراف معیار سن زنان به ترتیب ۲۹/۵۸ و ۷/۵۹ بود.

جدول ۱: شاخص های توصیفی مربوط به جمعیت شناختی زنان با آسیب اجتماعی طلاق

ویژگیهای جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
تحصیلات	زیر دیپلم	۱۲/۵
	دیپلم	۵۰/۸
	لیسانس	۳۱/۷
	فوق لیسانس و بالاتر	۵
مدت ازدواج	کمتر از یکسال	۳۱/۷
	۱ تا ۲۰ سال	۶۱/۷
	۲۰ تا ۴۵ سال	۶/۷
مدت طلاق	کمتر از یکسال	۵۱/۷
	۱ تا ۱۰ سال	۴۴/۲
	بیشتر از ۱۰ سال	۴/۲
	جمع	۱۰۰
	۱۲۰	

جدول فوق نشان دهنده شاخص های توصیفی مربوط به جمعیت شناختی (تحصیلات، مدت ازدواج و مدت طلاق) زنان است - مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرها:

جدول ۲: آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

Smirnov Test		متغیرهای مورد مطالعه	
سطح معناداری	مقدار	زیر مقیاس ها	متغیرها
۰/۱۴۲	۰/۱۴۸	راهبرد مسأله مدار	راهبردهای مقابله با تنیدگی
۰/۱۵۳	۰/۱۴۷	راهبرد هیجان مدار	
۰/۱۲۵	۰/۲۰۰	راهبرد اجتنابی	
۰/۱۵۹	۰/۱۲۴	دشواری در تشخیص احساسات	آلکسی تایمیا
۰/۱۶۴	۰/۱۴۸	دشواری در توصیف احساسات	
۰/۱۹۸	۰/۱۲۲	تفکر عینی	
۰/۰۹۸	۰/۱۷۴	هسته ارزشیابی خود	

طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی راهبردهای مقابله‌ای بر اساس الگوی تایمیا با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق

جدول فوق نشان دهنده نتایج بدست آمده جهت بررسی فرض نرمال بودن توزیع متغیرها می‌باشد که به همین منظور از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد. نظر به اینکه اگر مقدار P معنی دار نشود، به معنی آن است که توزیع داده‌ها در متغیرهای مذکور نرمال است، بنابراین با توجه به نتایج فوق که نشان دهنده عدم معناداری در سطح $(P > 0/05)$ است، در نتیجه فرض نرمال بودن داده‌ها برای توزیع نمرات تمامی متغیرها تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از آزمونهای پارامتریک استفاده کرد.

– مفروضه عدم همخطی چندگانه:

جدول ۳: آزمون ضریب تحمل (تولرنس) و تورم واریانس بررسی همخطی چندگانه

همخطی چندگانه		متغیرهای پژوهش
تورم واریانس VIF	ضریب تحمل (تولرنس) Tolerance	
۱/۳۱	۰/۵۸	راهبرد مسأله مدار
۱/۲۳	۰/۷۷	راهبرد هیجان مدار
۱/۹۰	۰/۷۴	راهبرد اجتنابی
۱/۳۰	۰/۷۶	هسته ارزشیابی خود

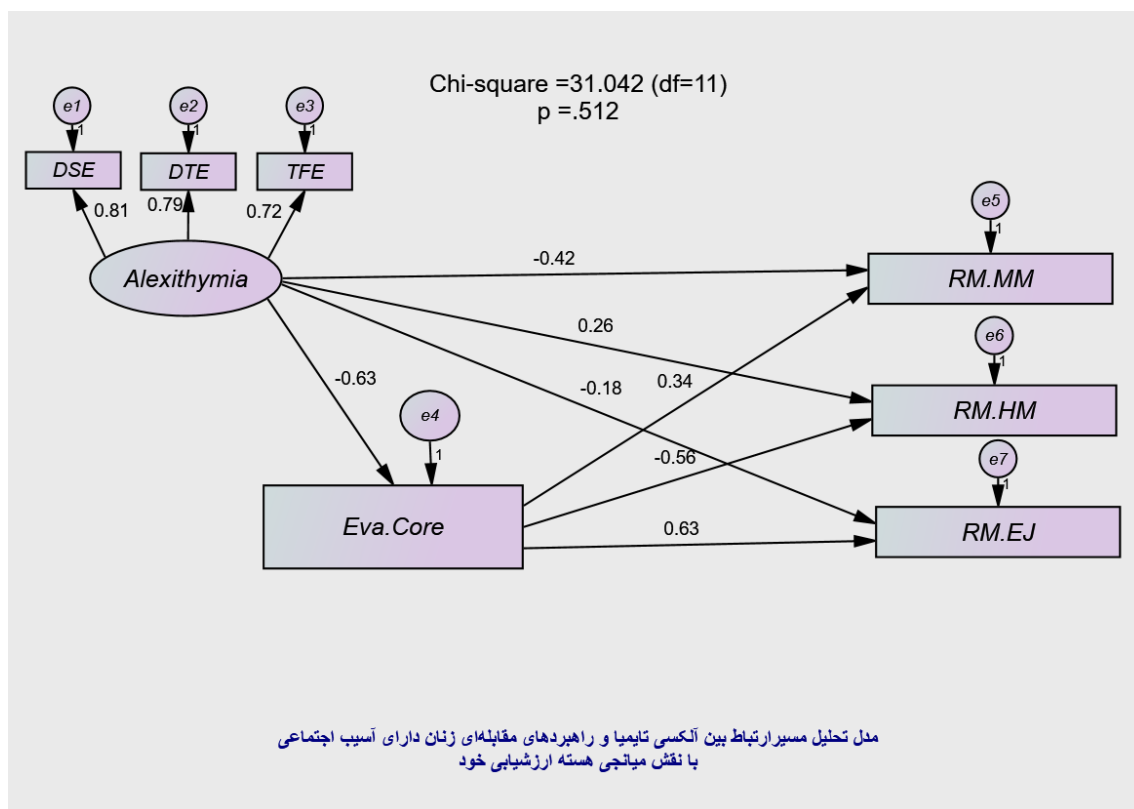
جدول فوق نشان دهنده نتایج بدست آمده جهت بررسی مفروضه عدم همخطی چندگانه می‌باشد. به همین منظور از آزمون تولرنس (Tolerance) و تورم واریانس (VIF) استفاده شد. آزمون تولرنس نشانگر درصدی از واریانس در متغیرهای مستقل است که در متغیرهای مستقل دیگر نیست یعنی میزان ارتباط بین متغیرهای مستقل را بیان می‌کند. تورم واریانس نشانگر رابطه همزمان متغیرهای مستقل را بیان می‌کند. نظر به اینکه اگر مقدار ضریب تولرنس به صفر نزدیک شود، به معنی آن است که تولرنس زیادی بین متغیرها وجود دارد، بنابراین با توجه به نتایج فوق که نشان دهنده مقادیر بزرگتر از صفر است، عدم وجود تولرنس را نشان می‌دهد. همچنین نظر به اینکه اگر مقدار ضریب تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ شود، به معنی آن است که تورم واریانس بین متغیرها وجود دارد. با توجه به نتایج فوق که نشان دهنده مقادیر کمتر از ۱۰ است، در نتیجه عدم تورم واریانس وجود دارد. بنابراین مفروضه عدم همخطی چندگانه تأیید می‌شود.

فرضیه اصلی:

– هسته ارزشیابی خود به صورت معنادار دارای نقش میانجی در رابطه بین آلکسی تایمیا و راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان با آسیب اجتماعی طلاق است.

به منظور آزمون فرضیه اصلی پژوهش، برای تعیین معنی‌داری رابطه میانجی از آزمون بوت استروپ در برنامه ایموس (Amos) استفاده شد.

شکل ۱: مدل تحلیل مسیر رابطه بین آلکسی تایمیا با راهبردهای مقابله با تنیدگی با نقش میانجی هسته ارزشیابی خود در بین زنان با آسیب اجتماعی طلاق



DSE = دشواری در تشخیص احساسات

DTE = دشواری در توصیف احساسات

TFE = تفکر عینی

Eva.Core = هسته ارزشیابی خود

RM.MM = راهبرد مسأله مدار

RM.HM = راهبرد هیجان مدار

RM.EJ = راهبرد اجتنابی

جدول ۴: نتایج شاخص‌های برازندگی مدل تحلیل مسیر رابطه بین آلکسی تایمیا با راهبردهای مقابله با تنیدگی با نقش میانجی هسته ارزشیابی خود در بین زنان با آسیب اجتماعی طلاق

شاخص‌های برازش	نوع شاخص برازش	حد مجاز	مقدار به دست آمده
X^2/df	شاخص‌های مقتصد	کوچکتر از ۳	۲/۸۲۲
RMSEA	شاخص‌های مقتصد	کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۴۸
PNFI	شاخص‌های مقتصد	بزرگتر از ۰/۵	۰/۵۶۲

طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی راهبرهای مقابله‌ای بر اساس الکسی تایمیا با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق

GFI	شاخص های مطلق	بزرگتر از ۰/۸	۰/۸۹۲
AGFI	شاخص های مطلق	بزرگتر از ۰/۸	۰/۸۸۲
NFI	شاخص های مقایسه ای	بزرگتر از ۰/۹	۰/۶۲۹

جدول فوق نشان دهنده مناسب بودن تمام شاخص های برازندگی مدل تحلیل مسیر است. به عبارت دیگر مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۵: شاخص های برآورد رگرسیون در مدل تحلیل مسیر رابطه بین آکسی تایمیا با راهبردهای مقابله با تنیدگی با نقش میانجی هسته ارزشیابی خود در بین زنان با آسیب اجتماعی طلاق

اثرات مستقیم متغیرها	ضریب Beta	ضریب B	خطا	ارزش t	معناداری
آکسی تایمیا <---	-۰/۶۳۳	-۰/۵۶۹	۰/۰۸۷	-۶/۵۳۶	***
آکسی تایمیا <---	-۰/۱۸۲	-۰/۲۱۵	۰/۰۹۵	-۲/۲۵۵	**
آکسی تایمیا <---	۰/۲۵۵	۰/۲۱۹	۰/۰۷۶	۲/۸۹۲	***
آکسی تایمیا <---	-۰/۴۲۲	-۰/۴۱۵	۰/۱۱۱	-۳/۷۵۱	***
هسته ارزشیابی خود <---	۰/۳۴۵	۰/۳۷۷	۰/۱۰۶	۳/۵۵۲	***
هسته ارزشیابی خود <---	-۰/۵۶۳	-۰/۵۳۶	۰/۰۷۸	-۶/۸۳۷	***
هسته ارزشیابی خود <---	۰/۶۳۳	۰/۸۳۱	۰/۱۰۳	۸/۰۷۰	***

(***): معنا داری در سطح ۰/۰۱ و (**): معنا داری در سطح ۰/۰۵

جدول فوق نشان می دهد اثر مستقیم آکسی تایمیا با ضریب استاندارد بتا بر روی هسته ارزشیابی خود ($Beta = -0.633$) و بر روی راهبرد اجتنابی ($Beta = -0.182$) و بر روی راهبرد مسأله مدار ($Beta = -0.422$) بطور معکوس و منفی، و بر روی راهبرد هیجان مدار ($Beta = 0.255$) بطور مثبت و مستقیم معنادار است ($P = 0.001$). همچنین اثر مستقیم هسته ارزشیابی خود با ضریب استاندارد بتا بر روی راهبرد اجتنابی ($Beta = 0.633$) و بر روی راهبرد مسأله مدار ($Beta = 0.345$) بطور مثبت و مستقیم، و بر روی راهبرد هیجان مدار ($Beta = -0.563$) بطور معکوس و منفی معنادار است ($P = 0.001$). به عبارت دیگر آکسی تایمیا زنان دارای آسیب اجتماعی باعث افزایش راهبرد هیجان مدار، و کاهش راهبردهای مسأله مدار و اجتنابی آنان می شود. همچنین خود ارزشمندی بالا زنان دارای آسیب اجتماعی باعث افزایش راهبردهای مسأله مدار و اجتنابی، و کاهش راهبرد هیجان مدار آنان می شود. همچنین خود ارزشمندی پایین زنان دارای آسیب اجتماعی باعث کاهش راهبردهای مسأله مدار و اجتنابی، و افزایش راهبرد هیجان مدار آنان می شود.

جدول ۶: نتایج آزمون بوت استروپ برای تعیین نقش میانجی هسته ارزشیابی خود در رابطه بین آکسی تایمیا با راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان با آسیب اجتماعی طلاق

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	نمونه مجدد	خطای برآورد	حدود بوت استروپ	اندازه اثر	معناداری P.Value
					حد بالا	حد پایین	
آکسی تایمیا	هسته ارزشیابی خود	راهبرد مسأله مدار	۲۰۰۰	۰/۰۷۴	-۰/۳۹۷	-۰/۱۰۷	۰/۰۰۲**
آکسی تایمیا	هسته ارزشیابی خود	راهبرد هیجان مدار	۲۰۰۰	۰/۰۸۰	۰/۱۷۲	۰/۴۸۶	۰/۰۰۱**

آلکسی تایمیا	هسته ارزشیابی خود	راهبرد اجتنابی	۲۰۰۰	۰/۰۹۰	-۰/۵۴۴	-۰/۱۹۴	-۰/۳۵	۰/۰۰۱**
--------------	-------------------	----------------	------	-------	--------	--------	-------	---------

(**) معنا داری در سطح ۰/۰۱

جدول ۶ نشان دهنده نتایج آزمون بوت استروپ برای تعیین نقش میانجی هسته ارزشیابی خود در رابطه بین آلکسی تایمیا با راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان است. بوت استروپ قدرتمندترین و منطقی ترین روش را برای دستیابی اثرات غیرمستقیم و همچنین تعیین نقش میانجی را فراهم می آورد (پریچر و هایس^{۴۱}، ۲۰۰۸). در این روش اگر حد پایین و بالای حدود بوت استروپ برای مسیر میانجی، دارای علامت مشابه باشند (یعنی هر دو مثبت یا هر دو منفی) و یا مقدار صفر بین این دو حد قرار نگیرد، مسیر علی غیر مستقیم (میانجی) معنی دار است. همچنین براساس نظر کوهن (۱۹۸۸) میزان اندازه اثر به ترتیب: ۰/۰۲ (ضعیف)، ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) تفسیر می شود. جدول ۶ نشان می دهد که اندازه اثر غیرمستقیم آلکسی تایمیا به راهبرد مسأله مدار با ضریب ۰/۲۳-، به راهبرد اجتنابی با ضریب ۰/۳۵- بصورت منفی، و به راهبرد هیجان مدار با ضریب ۰/۳۲- بصورت مثبت سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین متغیر هسته ارزشیابی خود دارای نقش میانجی بین آلکسی تایمیا و راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان است. به طور واضحتر متغیر هسته خود ارزشمندی بالا باعث کم شدن میزان آلکسی تایمیا و استفاده بیشتر از راهبردهای مسأله مدار و اجتنابی شده و هسته خود ارزشمندی پایین باعث زیاد شدن میزان آلکسی تایمیا و استفاده بیشتر از راهبرد هیجان مدار می شود. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تایید می گردد.

فرضیه فرعی شماره یک:

-آلکسی تایمیا به صورت معنادار راهبردهای مقابله ای را پیش بینی می کند.
به منظور آزمون فرعی شماره یک، از آزمون مدل خطی عمومی (General Linear Model) استفاده شد.

جدول ۷: نتایج آزمون پیش بینی راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان بوسیله آلکسی تایمیا

متغیر پیش بین	متغیرهای ملاک	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری P.Value
آلکسی تایمیا	مدل ارتباط	5862/550	91	64/424	5/283	۰/۰۰۱**
	مقدار ثابت	236985/026	1	236985/026	19435/433	۰/۰۰۱**
	راهبرد مسأله مدار	662/539	12	55/212	4/528	۰/۰۰۱**
	راهبرد هیجان مدار	379/703	12	31/642	2/595	۰/۰۱۸*
	راهبرد اجتنابی	438/323	17	25/784	2/115	۰/۰۳۸*
	مقدار خطا	341/417	28	12/193	---	---
	جمع	405488/000	120	---	---	---

(**) معنا داری در سطح ۰/۰۱

(*) معنا داری در سطح ۰/۰۵

⁴¹ Preacher KJ, Hayes AF. Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. Behavior research methods. 2008;40(3):879-91.

طراحی مدل ساختاری برای پیش بینی راهبردهای مقابله‌ای بر اساس الگوی تائیمیا با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان دارای آسیب اجتماعی طلاق

جدول فوق نشان دهنده نتایج آزمون پیش بینی راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان بوسیله الگوی تائیمیا است. جدول فوق نشان می‌دهد که ارتباط بین متغیر پیش بین (الگوی تائیمیا) و متغیرهای ملاک (راهبردهای مقابله با تنیدگی) معنادار است ($P=0.001$ و $F=5.283$). همچنین جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین ارتباط بین الگوی تائیمیا و راهبردهای مقابله با تنیدگی عبارتند از راهبرد مسأله مدار ($P=0.001$ و $F=4.528$) و راهبرد هیجان مدار ($P=0.018$ و $F=2.595$) و راهبرد اجتنابی ($P=0.038$ و $F=2.115$). بنابراین فرضیه فرعی شماره یک مبنی بر اینکه الگوی تائیمیا به صورت معنادار راهبردهای مقابله‌ای را پیش بینی می‌کند، تأیید شد.

فرضیه فرعی شماره دو:

– هسته ارزشیابی خود به صورت معنادار راهبردهای مقابله‌ای را پیش بینی می‌کند.

به منظور آزمون فرعی شماره دو، از آزمون مدل خطی عمومی (General Linear Model) استفاده شد.

جدول ۷: نتایج آزمون پیش بینی راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان بوسیله الگوی تائیمیا

متغیر پیش بین	متغیرهای ملاک	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری P.Value
هسته ارزشیابی خود	مدل ارتباط	1914/717	91	21/041	25/340	۰/۰۰۱**
	مقدار ثابت	109430/671	1	109430/671	131787/475	۰/۰۰۱**
	راهبرد مسأله مدار	146/136	12	12/178	14/666	۰/۰۰۱**
	راهبرد هیجان مدار	83/142	12	6/928	8/344	۰/۰۰۱**
	راهبرد اجتنابی	139/638	17	8/214	9/892	۰/۰۰۱**
	مقدار خطا	23/250	28	/830۰	---	---
	جمع	178118/000	120	---	---	---

(**) معنا داری در سطح ۰/۰۱

(*) معنا داری در سطح ۰/۰۵

جدول فوق نشان دهنده نتایج آزمون پیش بینی راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان بوسیله هسته ارزشیابی خود است. جدول فوق نشان می‌دهد که ارتباط بین متغیر پیش بین (هسته ارزشیابی خود) و متغیرهای ملاک (راهبردهای مقابله با تنیدگی) معنادار است ($P=0.001$ و $F=25.340$). همچنین جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین ارتباط بین هسته ارزشیابی خود و راهبردهای مقابله با تنیدگی عبارتند از راهبرد مسأله مدار ($P=0.001$ و $F=14.666$) و راهبرد هیجان مدار ($P=0.001$ و $F=9.892$) و راهبرد اجتنابی ($P=0.001$ و $F=8.344$). بنابراین فرضیه فرعی شماره دو مبنی بر اینکه هسته ارزشیابی خود به صورت معنادار راهبردهای مقابله‌ای را پیش بینی می‌کند، تأیید شد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به منظور تعیین برازش مدل ساختاری برای پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای بر اساس الکسی تایمیا با میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود در زنان با آسیب اجتماعی طلاق انجام شد. محاسبه و تحلیل شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش نشان داد که مدل تدوین شده با داده‌های گردآوری شده به خوبی برازش دارد.

این یافته‌ها همسو با نتایج یافته‌های (مارتا و شار، ۲۰۱۸؛ ملانی و همکاران، ۲۰۱۸؛ کیسلر، ۲۰۱۸؛ اسمیت، ۲۰۱۶؛ اورزل و همکاران، ۲۰۱۶؛ میلر و همکاران، ۲۰۱۵؛ جاج و همکاران، ۲۰۰۷؛ بشرپور و همکاران، ۱۳۹۸؛ طاووسی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عماد و همکاران، ۱۳۹۸) است. برازش رضایت بخش مدل با داده‌های مشاهده شده را می‌توان اینگونه تبیین نمود. براساس پژوهش‌های انجام شده و با پذیرش فرض تاثیرگذاری راهبردهای مقابله‌ای بر اساس الکسی تایمی و عوامل دیگر مانند میانجی‌گری هسته ارزشیابی خود این تاثیرات را تبیین می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین الکسی تایمیا و راهبردهای مقابله‌ای در زنان با آسیب اجتماعی طلاق رابطه معنادار وجود دارد. همچنین مشخص شد بیشترین ارتباط بین الکسی تایمی و راهبردهای مقابله‌ای با تنیدگی عبارتند از راهبردهای مساله‌مدار، راهبردهای هیجان‌مدار و راهبردهای اجتنابی است. بنابراین فرضیه فرعی شماره یک تایید شد. همچنین از یافته‌های پژوهش مشخص شد بین راهبردهای مقابله‌ای زنان با آسیب اجتماعی طلاق و هسته ارزشیابی خود رابطه معنا دار وجود دارد. بنابراین فرضیه فرعی شماره دو تایید شد. بعلاوه مدل پژوهش حاضر با پژوهش فاضل، دهشیری و موسوی (۱۳۹۵) که خود ارزشیابی هسته‌ای و احساس تنهایی در پیش‌بینی رضایت از زندگی زنان متأهل را بررسی کردند، همخوان می‌باشد. به طوری که از نتایج پژوهش مشخص شد که احساس خود ارزشمندی پایین با نشانگان سازش نایافتگی، عدم صمیمیت در روابط بین فردی، گناره‌گیری و انزوا در روابط زناشویی جلوه می‌کند، در حالی که افراد دارای ارزیابی‌های مثبت نسبت به خویش، باور به توانایی‌های خود در برقراری روابط صمیمانه، احساس مهار بیش‌تری بر محیط داشته، لذت بیشتری از زندگی می‌برند. در حالیکه پژوهش پارکر، هیل، دورنت و هلستون (۲۰۲۱) نشان داد در ازدواج‌های زن و مرد با تحصیلات دوگانه غربی، علت طلاق زنان کاهش درآمد و مسئولیت اصلی یا انحصاری مراقبت از کودکان با بار روانی بیشتر است. همچنین ارتقای شغلی بی‌سابقه که به زنان آزادی بیشتری برای ترک می‌دهد، و از دست دادن وابستگی متقابل بین شرکا به حل پارادوکس طلاق توسط زنان کمک می‌کند. بلاچو اسرسی و همکاران (۲۰۲۰) اظهار کردند از عوامل موثر بر افزایش میزان طلاق زندگی در مناطق شهری افزایش تحصیلات دختران، جلوگیری از ازدواج کودکان (سن کمتر از ۱۵ سال)، سقط جنین و خشونت شریک جنسی علیه زنان می‌توان برشمرد. با توجه به اینکه آمار طلاق رو به افزایش است، لذا باید در اندیشه کاستن تعداد طلاق بود (فاتحی زاده و همکاران، ۱۳۸۴).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد برای پیشگیری از طلاق توجه به هسته ارزشیابی خود، الکسی تایمی و راهبردهای مقابله با تنیدگی زنان باید مورد توجه قرار گیرد. به طور واضحتر هسته خود ارزشمندی بالا باعث کم شدن میزان الکسی تایمیا و استفاده بیشتر از راهبردهای مساله‌مدار و اجتنابی شده و هسته خود ارزشمندی پایین باعث زیاد شدن میزان الکسی تایمیا و استفاده بیشتر از راهبرد هیجان‌مدار می‌شود و در نتیجه کاهش طلاق در زنان و بنیان خانواده می‌شود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم امکان بررسی به تفکیک طبقات اجتماعی اقتصادی، و استفاده از پرسشنامه خودگزارشی ممکن است منجر به سوگیری اجتماعی شرکت کنندگان شده به طوریکه اعمال و رفتار واقعی خود را گزارش ندهند. در راستای ارائه پیشنهاد با توجه به متغیرهای پژوهش، پژوهش‌های آتی می‌تواند به بررسی متغیرهای روانشناختی دیگر در تنظیم هیجان شناختی و تغییر نگرش جهت پیشگیری طلاق و یا افزایش کیفیت زناشویی و سازگاری بیشتر استفاده نمود.

منابع

- [1] Cui, M. & Fincham, F. D. (2010). The differential effects of parental divorce and marital conflict on young adult romantic relationships. *Personal Relationships*, 17(3), 331-343.
- [2] Trudel, G., & Goldfarb, M. R. (2010). Marital and sexual functioning and dysfunctioning, depression and anxiety. *Journal of Sexologies*, 19(14), 137-142.
- [3] Valing, TH.B., Marting, M. O (2017). Hostile volatile, avoiding and validating. Couple-conflict types: an investigation of Guttman's couple conflict types. *Personal relationship*, 25(2), 175-192.
- [4] Trógolo, M. A., Melchior, F., & Medrano, L. A. (2014). The role of difficulties in emotion regulation on driving behavior. *Journal of Behavior, Health & Social Issues*, 6(1), 107-117.
- [5] Mahapatra A, Sharma P. (2018). Association of Internet addiction and alexithymia—A scoping review. *Addict Behav.*81,175-182.
- [6] Taylor, G., Lachance, L. and Gregoire, S. (2015). Mindfulness, mental health and emotion regulation among workers. *International Journal of Wellbeing*, 5(4), 961-99.
- [7] Smith, J. (2016). *Involuntary Symptoms: Grief and Depression*. IN *Psychotherapy* (221–236). Springer International Publishing: New York.
- [8] Judge, T. A. (2009). Core self-evaluations and work success. *Current Directions in Psychological Science*, 18(1), 58-62.
- [9] Judge, T. A., & Kammeyer-Mueller, J. D. (2012). General and specific measures in organizational behavior research: Considerations, examples, and recommendations for researchers. *Journal of Organizational Behavior*, 33, 161-174.
- [10] Debusschera, J., Hofmansa, J., & De Fruytb, F. (2017). Core self-evaluations as a moderator of the relationship between task complexity, job resources, and performance. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 26(3), 411-420.
- [11] Bono, J. E., & Judge, T. A. (2003). Core Self-Evaluations: A review of the trait and its role in job satisfaction and job performance. *European Journal of Personality*, 17, 5–18. Published online in Wiley Inter Science.
- [12] Özer, E., Hamarta, F., & Deniz, E. (2016). Emotional intelligence, core self-evaluation, and Life satisfaction. *Psychology*, 7, 145-153.
- [13] Miller Smedema, S., Chan, F., Yaghmaian, R., DaSilva Cardoso, E., Muller, V., & Keegan, J. (2015). The relationship of core self-evaluations and life satisfaction in college students with disabilities: Evaluation of a mediator model. *Journal of Post-Secondary Education and Disability*, 28(3), 341-358.
- [14] Judge, T. A., Erez, A., Bono, J. E., & Thoresen, C.J. (2003). The core self-evaluations scale: Development of a measure. *Personal Psychology*, 56, 303-331.
- [15] Judge, T. A., & Hurst, C. (2007). The benefits and possible costs of positive core self-evaluations: A review and agenda for future research. In D. Nelson & C. L. Cooper (Eds.), *Positive organizational behavior* (pp. 159-174). London, UK: Sage Publications.
- [16] Shao, J., Yang, H., Zhang, Q., Du, W., & Lei, H. (2019). Commonalities and Differences in Psychological Adjustment to Chronic Illnesses Among Older Adults: a Comparative Study Based on the Stress and Coping Paradigm. *International journal of behavioral medicine*, 26(2), 143-153.
- [17] Melanie, F., Midkiff, Cynthia R., Lindsey, A., Meadows, S. (2018). The role of coping self-efficacy in emotion regulation and frequency of NSSI in young adult college students, *Cogent Psychology*, 5: 1520437.
- [18] Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer.
- [19] Lee, J. H., Park, S., & Sim, M. (2018). Relationship between ways of coping and posttraumatic stress symptoms in firefighters compared to the general population in South Korea. *Psychiatry Research*, 270, 649-655.

- [20] Smith, N., Young, A., & Lee, L. (2004). Optimism, health-related hardiness and well-being among older Australian women, *Journal of Health Psychology*, 9(6), 741-752.
- [21] Peng, A. C., Riolli, L. T., Schaubroeck, J., & Spain, E. S. P. (2012). Moderated mediation test of personality, coping, and health among deployed soldiers. *Journal of Organizational Behavior*, 33, 512-530.
- [22] Kammeyer-Mueller, J. D., Judge, T. A., & Scott, B. A. (2009). The role of core self-evaluation in the coping process. *Journal of Applied Psychology*, 94, 177-195.
- [23] Folkman, S. (2010). Stress, coping, and hope. *Psycho-Oncology*, 19, 901-908.
- [24] Jibril, S. (2014). Psycho social and economical consequences of divorce in Muslim community in Gondar city administration. *Innovare journal of social sciences*, 2(4): 51- 57.
- [25] ŻAK-GOŁĄB, A., et al. (2013) Alexithymia, depression, anxiety and binge eating in obese women. *Eur. J. Psychiat.* 27(3), 149-159. <https://dx.doi.org/10.4321/S0213-61632013000300001>.
- [26] Parker, G.,¹.Durante, K. M.,².Hill, S. E.,³.Haselton, M. G.(2022). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current Opinion in Psychology*, February 2022, Pages 300-306 <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2021.07.020> Get right
- [27] Dagnew, G. W., Belachew Asresie, Abeje Fekadu, M., Mulu Gelaw, Y. (2020). associated with divorce from first union among women in Ethiopia: Further analysis of the 2016 Ethiopia demographic and health survey data. *J PLOS*. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0244014>
- [28] KESSLER, D., (2018). THE CONSEQUENCES OF DIVORCE FOR MOTHERS AND FATHERS: UNEQUAL BUT CONVERGING? <http://dx.doi.org/10.12682/lives.2296-1658.2018.71> ISSN 2296-1658

[۲۹] جانی، س.، بشرپور، س.، ۱۳۹۸، نقش ذهن آگاهی و ناگویی هیجانی در کاهش افسردگی و اضطراب زنان قربانی خشونت همسر. *مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت سال ششم*، شماره ۶، ص ۶۶، ۱۳۹۸.

[۳۰] جعفری فاضل، ر.، دهشیری، غ.، موسوی، ف.، ۱۳۹۵، نقش خود ارزشیابی های هسته ای و احساس تنهایی در پیش بینی رضایت زناشویی و رضایت از زندگی متاهل در تهران. *مجله علوم روانشناختی*، جلد ۱۵، شماره ۶، ۱۳۹۵.

[۳۱] جعفری ندوشن، ع.، زارع، ح.، حسینی، ا.، پورصالحی، م.، زینی، م.، ۱۳۹۴ بررسی و مقایسه سلامت روان و سازش یافتگی و تنظیم هیجان شناختی زنان مطلقه با زنان متاهل شهر یزد، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه*، جلد ۶، شماره ۲، صفحه ۱-۱۶، ۱۳۹۴.

[۳۲] فاتحی زاده، م.، بهجتی اردکانی، ف.، نصر اصفهانی، ا.، ۱۳۸۴ بررسی تاثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*. جلد ۶، شماره ۱، صفحه ۱۱۷-۱۳۶، ۱۳۸۴.

[۳۳] قدیمی، ب.، کلدی، ع.، رضانی فزون، ح.، ۱۴۰۰، تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن، توسعه و سیاست، دوره ۱۹، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰: ۱۶۷-۱۰۷. DOI: 10.22059/jwdp.2021.316823.1007940

[۳۴] نعمت طاووسی، م.، اکبرزاده حوری، ش.، ۱۳۹۲، آزمون روانسنجی مقیاس هسته ارزشیابی خود، *تحقیقات روانشناختی*، جلد ۲۰، صفحه ۳۶-۴۹، ۱۳۹۲.

[۳۵] عماد، ی.، هادیان فرد، ح.، ۱۳۹۸، پیش بینی گرایش به خودکشی بر مبنای جنسیت، وضعیت تاهل، راهبردهای مقابله ای، جهت گیری مذهبی و میزان افسردگی، *مجله روان پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، جلد ۲۵، شماره ۲، صفحه ۱۷۸-۱۹۳، ۱۳۹۸.